

آزاد سازی اقتصاد
مقدم بر خصوصی سازی

دکتر لطفعلی بخشی

اقتصادهای شکوفا، پیشرو و پردرآمد جهان، در دو اصل مشترکند:
- آزادی اقتصادی به معنی عدم دخالت دولت در اقتصاد، بخصوص قیمت گذاری کالاها و خدمات

- مالکیت خصوصی به معنی مالکیت و کنترل بنگاههای اقتصادی توسط بخش خصوصی
نقش آزادی اقتصادی در پیشبرد اقتصاد، بسیار مهمتر از مالکیت و کنترل بخش خصوصی بر بنگاهها است زیرا با آزاد سازی اقتصاد و ایجاد فضای رقابت، زمینه لازم برای تحرک اقتصادی و ارتقاء شرایط محیط کسب و کار فراهم می گردد و سایر عوامل را بدنال خود می کشاند.

در حقیقت آزاد سازی اقتصاد از قید و بند های زائد دولتی پیش شرط موفقیت اقتصادی در هر جامعه ای است.

نمونه های فراوانی در جهان وجود دارد که حتی بدون انتقال مالکیت به بخش خصوصی و با آزادسازی اقتصاد، کشور توانسته به جهش بزرگ اقتصادی نائل شود که نمونه بارز آن، چین کمونیست است. چین کمونیست با آزاد سازی اقتصاد و خصوصی سازی اداره بنگاههای دولتی (نه تغییر مالکیت) ظرف کمتر از 20 سال توانست قرنهای عقب ماندگی را پشت سر گذارد.

در کشور ما پس از تجربیات تلخ اقتصاد دولتی، سرانجام مسئولین نظام چاره کار را در خصوصی سازی یافتند و در تلاش بر داشتن گامهای بزرگی در این زمینه هستند.
اجرای سیاستهای جدید اصل 44 و خصوصی سازی سهام صنایع بزرگ تحت مالکیت و کنترل دولت اقدام بزرگی است که می تواند سرآغاز يك انقلاب اقتصادی در کشور باشد.
هرچند پیشرفت در این تلاش بزرگ در حد مطلوب نبوده است لیکن بنظر می رسد عزم مسئولین در خصوصی سازی این بار بسیار جدی است و می توان به آن امیدوار بود.

حقیقت آن است که خصوصی سازی در کشور ما حتی اگر با موفقیت کامل قرین باشد چاره ساز دردهای اقتصاد ما نخواهد بود و آرزوهای ما را برآورده نخواهد کرد.
درد بزرگ اقتصاد ما دخالت دولت در ساز و کار اقتصاد است که این امر بیشتر از مالکیت و کنترل دولت بر بنگاهها، اقتصاد کشور را متضرر کرده است.
در حقیقت رسیدن به اقتصادی شکوفا، با وجود دخالت دولت در اقتصاد، حتی با توفیق در خصوصی سازی، سرابی بیش نخواهد بود.
شرط رهائی از این وضعیت، آزاد سازی اقتصاد از مداخلات دولت است. بدون قطع دخالت دولت در اقتصاد، این کاروان ره بجایی نخواهد برد.

دلیل و مصداق بارز این حقیقت تلخ صنعت سیمان است. در صنعت سیمان خصوصی سازی بیش از هر صنعت دیگری صورت گرفته است. در حال حاضر دولت فقط مالک 2 کارخانه سیمان از 48 کارخانه در حال کار است که این دوکارخانه نیز در لیست فروش قرار دارند. بعبارت دیگر شاید تا يك سال دیگر دولت خود مستقیماً مالک هیچ کارخانه سیمانی نباشد و در مقابل بخش خصوصی و بنگاههای عمومی نظیر سازمان تامین اجتماعی و بانکها دارای سهم عمده مالکیت و کنترل این کارخانجات هستند.

با وجود این ساختار مالکیتی و مدیریتی، ما شاهد کمبود سیمان در بازار، قیمتهای دولتی و بازار آزاد، کاهش تدریجی قیمت سهام شرکتهاى سیمان در بورس تهران به کمتر از یک دهم قیمت چند سال قبل، کاهش سودآوری این صنعت و رویگردانی بخش خصوصی و سرمایه گذاران از آن هستیم.

بدلیل همین ویژگیها بسیاری از پروژه های سیمان بدلیل عدم دارا بودن نقدینگی کافی دارای تاخیر زیاد در راه اندازی هستند و بدلیل وضعیت سودآوری نامناسب کارخانجات سیمان، بانکها نیز تمایلی به دادن وام به آنان ندارند. ملاحظه می شود که انتقال مالکیت از دولت به سایر بخشها، که در صنعت سیمان در سطح بالایی صورت گرفته، چاره ساز مشکل نبوده است. مشکل بزرگ صنعت سیمان دخالت دولت در قیمت گذاری است که اجازه نداده این صنعت در مسیر رشد، شکوفایی و بالندگی قرار گیرد. اگر دولت ده سال قبل دست از سر صنعت سیمان بر می داشت و قیمت گذاری سیمان را آزاد می کرد، اکنون کشور دارای تولید سالیانه بیش از 100 میلیون تن سیمان بود که علاوه بر تامین کامل بازار داخلی، می توانستیم بزرگترین صادر کننده سیمان در جهان باشیم. چنین فرصت بزرگی را در عرصه جهان، بدلیل دخالت های ناروای دولت، از دست دادیم. آیا دولت محترم توجیهی یا پاسخی برای این امر دارد؟ بنابراین با وجود کنترل دولت بر قیمت گذاری و امثال آن، حتی با واگذاری سهام بنگاه های بزرگ صنعتی کشور به بخش خصوصی و نهاد های عمومی، انتظارات و آرزوهای مسئولین و مردم برآورده نخواهد شد.

گام اول و اساسی در تغییر ساز و کار اقتصاد کشور و قرار دادن آن در مسیر رشد و شکوفایی واقعی، تن دادن دولت به آزاد سازی اقتصاد است. با آزاد سازی صنعت سیمان، پتروشیمی و بسیاری صنایع دیگر از قیمت گذاری دولتی، شاهد شکوفایی سریع این صنایع، فراوانی کالا در بازار داخلی، افزایش اشتغال، از بین رفتن رانت و وضعیت دو قیمتی این کالاها در بازار و رونق صادرات آنها خواهیم بود. هرچند فرصت های زیادی را از دست داده ایم لیکن هنوز خیلی دیر نیست.